

دانش و پژوهش

دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)

(علوم انسانی)

شماره ششم - زمستان ۱۳۷۹

صص ۹۲ - ۸۳

بررسی تأثیر آموزش والدین بر رفتار اجتماعی دانش آموزان عقب مانده ذهنی آموزش پذیر دختر

مختار ملک پور* - امیرمحمد پیام**

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر آموزش والدین بر رفتار اجتماعی دانش آموزان عقب مانده ذهنی آموزش پذیر دختر بود. بدین منظور ۸۰ دانش آموز عقب مانده ذهنی آموزش پذیر دختر از مراکز آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران که در سطوح پیش دبستانی و اول ابتدایی مشغول به تحصیل بودند به عنوان جامعه نمونه برگزیده شدند و در چهار گروه ۲۰ نفری دو گروه آزمایشی، دو گروه گواه قرار گرفتند. فرضیه اصلی پژوهش به این مطلب اشاره داشت که «آموزش والدین در زمینه چگونگی آموزش دادن مهارتهای خودیاری پیشرفته به کودک استثنایی به کمک روشهای ایجاد، تغییر و اصلاح رفتار، بر روی رفتار اجتماعی دانش آموزان عقب مانده ذهنی آموزش پذیر دختر مؤثر است».

به همین منظور والدین دو گروه آزمایشی طی یک دوره آزمایشی به صورت گروهی تعلیم داده شدند و پس از طی کردن دوره ۱۲۰ روزه، از آنان آزمون به

عمل آمد. آزمون عبارت بود از پرسشنامه‌ای خودساخته که با در نظر داشتن موارد آموزشی و مقیاس رشد اجتماعی وایلند تهیه گردیده بود و مطابق طرح پژوهش در پیش آزمون از دو گروه و سپس در هنگام پس آزمون از هر چهار گروه به عمل آمد. نتایج حکایت از آن داشت که والدین گروههای آزمایشی که در جلسات آموزش والدین شرکت کرده بودند، در بهبود رفتار اجتماعی فرزند عقب‌مانده آموزش‌پذیر خود مؤثر بوده‌اند، چراکه دانش آموزان گروههای آزمایشی به‌طور معناداری برتر از گروههای گواه در پس آزمون نشان دادند و این مؤید آن بود که فرضیه اصلی پژوهش مورد قبول واقع شده است.

از آنجا که پیش از مرحله اصلی اجرای پژوهش، متغیرهای فرعی و مداخله‌گر تا حد امکان کنترل شده بودند، نتایج پژوهش نشان دادند که آموزش والدین در سالهای نخستین ورود کودکان عقب‌مانده ذهنی به مدرسه می‌تواند در بهبود رفتار اجتماعی آنان تأثیر داشته باشد.

بیان مجدد مسأله (اهمیت، ضرورت و اهداف پژوهش)

اجتماعی شدن فرایندی است که راههای زندگی کردن در جامعه را به انسان می‌آموزد، موجب رشد شخصیت او می‌شود و ظرفیتهای او را در جهت انجام وظایف فردی و به‌عنوان عضو جامعه توسعه می‌دهد (توسلی، ۱۳۷۳).

اجتماعی شدن یا آموختن چگونه زیستن، در رشد و تعالی فرد و نیز جامعه نقش محوری دارد و از اهمیت بسزایی برخوردار است. اجتماعی شدن حاصل ساز و کارهای روانی-اجتماعی تکوین شخصیت است. دو ساز و کار اصلی این فرایند عبارت‌اند از: یادگیری و درونی کردن.

در ساز و کار یادگیری از طریق اعمالی همچون: تکرار، تقلید، پاداش، تنبیه، آزمایش و خطا، بازتاب‌ها، عادت‌ها، ارزشها، طرز رفتارها و... با گذر از مراحل شرطی شدن، رهیابی و تثبیت، در ارگانیسم انسانی و روان شخص جای می‌گیرند (روزن‌بام، ترجمه مهدوی، ۱۳۶۷).

هربرت^۱ (۱۹۹۱) بر این باور است که فرد با بازی کردن نقش دیگران (والدین،

همبازی‌ها، قهرمانان) و درونی کردن رفتار ایشان، از نظر فکری رشد می‌کند و اجتماعی می‌شود.

عوامل متعددی در اجتماعی شدن فرد مؤثرند که خانواده نقطه آغاز آن است. خانواده در زمره گروه‌های غیررسمی است که هدف عمده آن اجتماعی کردن است و به لحاظ دارا بودن ویژگی‌های گروه نخستین و ایجاد روابط چهره به چهره و صمیمانه بین اعضای خانواده و همچنین برانگیختن تعلقات شدید احساسی و عاطفی، بیشترین تأثیر را بر افراد گذاشته و آنها را در پذیرش ارزشها و الگوهای رفتار اجتماعی و یا به عبارتی اجتماعی شدن هدایت می‌کند. کودکان استثنایی و بویژه آنهایی که به نوعی عقب‌ماندگی ذهنی دارند، در روند طبیعی یادگیری و الگوبرداری رفتارهای اجتماعی دچار اختلال هستند.

کودک عقب‌مانده ذهنی نسبت به کودک طبیعی کند، آهسته، کم‌توجه و از حس کنجکاوی کمتری برخوردار است (میلانی فر، ۱۳۷۰). او نسبت به همسالان خود از توان هوشی کمتری برخوردار است و نمی‌تواند با سرعت کودکان عادی به یادگیری پردازد، بنابراین در ابتدای کودکی در بسیاری مواقع از حضور در جمع همسالان محروم مانده و فرصت یادگیری رفتارهای اجتماعی از طریق سرمشق قرار دادن همبازی‌ها و همسالان را از دست می‌دهد. از این‌رو کودک عقب‌مانده ذهنی، اکثر اوقات را در منزل و نزد خانواده، می‌گذراند. به همین دلیل، نقش والدین در آموختن رفتارهای اجتماعی به او، نسبت به والدین کودک عادی، بسیار با اهمیت‌تر می‌شود.

بنابراین، آگاهی والدین از روشهای آموزش مهارت‌های خودیاری به همراه روشهای تغییر و ایجاد رفتار در کودکان استثنایی که از وظایف نهاد رسمی آموزش و پرورش استثنایی می‌باشد، در بهبود و ارتقای کیفی رفتار اجتماعی کودک عقب‌مانده ذهنی به‌خصوص فشر آموزش‌پذیر این گروه می‌تواند مفید و ثمربخش باشد.

از آنجاکه در نظام آموزشی مربوط به آموزش و پرورش استثنایی ایران، آموزش رفتارهای اجتماعی (به‌خصوص مهارت‌های خودیاری) در سطوح پیش‌دبستانی و ابتدایی مورد توجه قرار گرفته است، لذا آموزش والدین در این سطوح (یعنی هنگامی که کودک ایشان در دوره پیش‌دبستانی و یا ابتدایی مشغول به تحصیل می‌باشد) می‌تواند به

هر چه بهتر و سریعتر فراگرفتن رفتارهای اجتماعی در کودک عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر بینجامد.

پژوهشهای جدید در زمینه تغییر رفتار در کودکان استثنایی، مکرراً نشان داده‌اند که هماهنگی میان خانه، مدرسه و کودک باید جزو مهمترین اصول در برنامه‌ریزی نظام آموزش مربوط به کودکان استثنایی قرار بگیرد. در همین راستا، ملک‌پور (۱۳۷۵) به نقل از بکر^۱ (۱۹۸۴) چهار روش برای آموزش والدین کودکان استثنایی مطرح می‌کند.

۱- آموزش درون خانه ۲- آموزش گروهی ۳- آموزش درون مدرسه ۴- مشاوره با در نظر گرفتن امکانات آموزشی در مدارس و مراکز استثنایی کشور به نظر می‌رسد که تلفیق روشهای آموزش گروهی (گردآوری والدین در مدرسه و آموزش به صورت دسته‌جمعی) و مشاوره (تبادل نظر بین والدین و متخصص امور پرورشی درباره مشکلات رفتاری کودک عقب‌مانده ذهنی) قابل اجراترین روش برای آموزش والدین می‌باشد.

این پژوهش، با در نظر گرفتن ضرورت پژوهش در زمینه «آموزش والدین» و همچنین اهمیت کسب «مهارتهای خودیاری» در دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی در سطوح پیش‌دبستانی و ابتدایی و با مد نظر داشتن روش آموزشی «آموزش گروهی و مشاوره» برای والدین (که با توجه به امکانات آموزش و پرورش استثنایی کشور، مناسبترین روش به نظر می‌رسد) صورت پذیرفته است. به‌طور حتم نتایج پژوهش در این زمینه (صرف‌نظر از تأیید یا رد فرضیه آن) می‌تواند راهگشای مسؤولان در برنامه‌ریزیهای آتی باشد و افق روشنتری برای هرچه بهتر شدن کیفیت آموزش و پرورش استثنایی در کشور، به دنبال داشته باشد.

فرضیه پژوهش

با توجه به اهمیت، ضرورت و اهداف پژوهش، فرضیه اصلی تحقیق عبارت بود از:
«آموزش والدین، در زمینه چگونه آموزش دادن مهارتهای خودیاری پیشرفته به کودک استثنایی به کمک روشهای ایجاد، تغییر و اصلاح رفتار، بر روی رفتار اجتماعی دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر دختر مؤثر است».

جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل داده‌ها

نمونه‌برداری: جامعه آماری مورد تحقیق، دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر دختر شهر تهران بود که در سطوح پیش‌دبستانی و اول ابتدایی در سال تحصیلی ۱۳۷۶-۷۷ مشغول به تحصیل بودند.

روش نمونه‌گیری: انتخاب تصادفی آزمودنیها بوده است که پس از برگزیده شدن ۸۰ دانش‌آموز دختر در ۴ گروه A، B، C، D، پژوهشگر برای اطمینان از یکسانی گروهها و بررسی متغیرهای فرعی نظیر: ضریب هوشی، میزان تحصیلات والدین، میزان درآمد خانواده‌ها و تعداد فرزندان خانواده، در مواردی اقدام به هم‌تاسازی گروهی نیز نموده است.

ابزار پژوهش: جدا از آزمون هوش ریون رنگی که پژوهشگر برای بررسی متغیر فرعی ضریب هوشی از آن استفاده کرد؛ برای بررسی تأثیر آموزش والدین به روی رفتار اجتماعی دانش‌آموزان، پژوهشگر پرسشنامه‌ای با عنوان «پرسشنامه وضعیت مهارتهای خودیاری پیشرفته دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر دختر» تهیه کرد. پرسشنامه بر اساس دو اصل ساخته شده است:

۱- با استفاده از معیارهایی که در مقیاس رشد وایلند برای افراد ۱۰-۴ سال در نظر گرفته شده است.

۲- با در نظر گرفتن سرفصل‌هایی که به عنوان «مهارتهای خودیاری پیشرفته» در مدل آموزشی این پژوهش پیش‌بینی شده و از کتاب «مهارتهای خودیاری پیشرفته» نوشته بروس. ال. بکر و همکارانش (۱۹۸۴) ترجمه ملک‌پور (۱۳۷۱) گرفته شده است.

متغیرهای پژوهش: متغیر مستقل عبارت بود از: «میزان اطلاعات والدین نسبت به روشهای آموزش مهارتهای خودیاری پیشرفته به کودک استثنایی» که در عنوان پژوهش، به اختصار «آموزش والدین» ذکر شده است و پژوهشگر در یک دوره آموزش گروهی و معرفی و ارائه کتابی در همین مورد به والدین آزمودنیهای گروههای آزمایشی سعی در بالا بردن و افزایش این میزان اطلاعات داشته است. متغیر وابسته، رفتار اجتماعی دانش‌آموزان دختر عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر بود. پژوهشگر با پرسشنامه چگونگی وضعیت مهارتهای خودیاری پیشرفته در پیش‌آزمون و پس‌آزمون سعی در اندازه‌گیری آن و به دنبال تأثیر مداخله آزمایشی خود به روی این متغیر بود.

متغیرهای فرعی متعددی وجود داشت مانند: بهره‌ هوشی، تحصیلات والدین، تعداد فرزندان خانواده و میزان درآمد خانواده، که با اتخاذ تدابیری اقدام به مهار و حذف تأثیر منفی آنها بر روی نتیجه پژوهش شد.

طرح پژوهش: نوع پژوهش به دلیل امکان انتخاب تصادفی آزمودنیها و همچنین امکان دستکاری متغیر مستقل، از نوع تجربی بود. برای مهار دقیق متغیرها و امکان بازیابی مجدد، طرح چهارگروهی سولومون برگزیده شد تا با بررسی و مهار پیش‌آزمون - پس‌آزمون و همچنین خنثی کردن عامل پختگی در طرحهای پیش‌آزمون - پس‌آزمون پژوهشگر اطمینان بیشتری در صحت و سقم نتایج داشته باشد.

شیوه اجرا: پس از انتخاب و تشکیل چهار گروه آزمودنی و بررسی متغیرهای فرعی، پژوهشگر از دو گروه (آزمایشی و گواه) پیش‌آزمون به عمل آورد. سپس جلسات آموزش گروهی طی ۸ جلسه و در طول ۸ هفته برگزار گردید. جلسات آموزشی بدین ترتیب صورت می‌گرفت که در هر جلسه یک یا چند مهارت خودیاری تشریح و برنامه آموزشی آن برای تعلیم به دانش‌آموزان مورد بررسی قرار می‌گرفت. در پایان هر جلسه نیز مدتی صرف پرسش و پاسخ و تبادل نظر بین والدین درباره مشکلات و راهکارهایی می‌شد که خانواده‌ها با آن روبه‌رو بودند و در اصل مشاوره گروهی پایان‌بخش هر جلسه آموزشی بود. مدت زمان جلسات بین ۹۰ تا ۱۱۰ دقیقه بود. پس از ۸ جلسه آموزشی به والدین فرصتی ۱۲۰ روزه داده شد تا برنامه‌های آموزشی را با فرزندان خود تمرین کنند و نتایج را استخراج نمایند. بعد پس‌آزمون به عمل آمد و نتایج استخراج شد.

شیوه‌های تجزیه و تحلیل آماری: در مورد مهار متغیرهای فرعی ضریب هوشی، میزان تحصیلات و میزان درآمد خانواده، پژوهشگر از روش تحلیل واریانس یکطرفه استفاده کرد. در مقایسه میانگین‌های دو گروه B و C هنگام به عمل آمدن پیش‌آزمون، از روش آزمون t برای گروه‌های همبسته مدد گرفته شد. جهت مقایسه نتایج چهارگروه در پس‌آزمون از روش تحلیل واریانس یکطرفه استفاده شد و به منظور بررسی تأثیر پیش‌آزمون و اثر پختگی از روش تحلیل کوواریانس استفاده گردید.

لازم به ذکر است که در مورد بررسی متغیر فرعی تعداد فرزندان خانواده با توجه به نوع مقیاس مورد استفاده از استخراج نتایج از روش مجذور خی (χ^2) استفاده شد.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش تأثیر آموزش والدین بر روی رفتار اجتماعی دانش آموزان عقب مانده ذهنی آموزش پذیر دختر مورد بررسی قرار گرفت. بدین صورت که با آموزش دادن والدین آزمودنیهای گروههای آزمایشی از طریق پرسشنامه ای خودساخته نتایج آموزشها با نتایج گروههای گواه، مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج نشان داد که آموزش والدین در زمینه چگونگی آموزش مهارتهای خودیاری پیشرفته به کودک استثنایی با روشهای ایجاد، تغییر و اصلاح رفتار بر روی رفتار اجتماعی دانش آموزان عقب مانده ذهنی آموزش پذیر دختر تأثیر مثبت دارد.

این یافته در پس تفسیر نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه و پی آزمونهای آن و همچنین تحلیل کواریانس برای بررسی تفاوت آماری معنادار بین میانگینهای گروههای A، B، C، D از نظر متغیر مستقل پژوهش به دست آمد. بدین ترتیب که چون F محاسبه شد (۰/۰۴) از مقدار F بین جدول در درجههای آزادی ۳ و ۷۶ در سطح اطمینان $P=0/01$ نیز بزرگتر بود ($F(0/01)=4/6$). از آنجا که $F_{obs}=20/04 > F(0/01)=4/6$ ، از این رو با ۹۹ درصد اطمینان فرضیه یک پژوهش مورد تأیید قرار گرفت و یا به عبارت دیگر با ۹۹ درصد اطمینان فرضیه صفر پژوهش باطل اعلام شد. بنابراین، براساس یافتههای تحقیق می توان اظهار داشت که:

«آموزش والدین در زمینه چگونگی آموزش دادن مهارتهای خودیاری پیشرفته به کودک استثنایی به کمک روشهای ایجاد، تغییر و اصلاح رفتار بر روی رفتار اجتماعی دانش آموزان عقب مانده ذهنی آموزش پذیر دختر مؤثر است». نتایج حاصل از این پژوهش همسو با نتایج پژوهشهای موازی در این زمینه می باشد. برای مثال: نتایج استخراج شده تأکیدکننده نظریه های بکر (۱۹۸۴) و لری و بیللی^۱ (۱۹۸۵) است. همچنین یافته های این پژوهش همسو با پژوهشهای زیر می باشد: ولسی و لازاروس^۲ (۱۹۶۶)، لیوایز، بروینیکس و تورلاو^۳ (۱۹۹۱)، هربرت (۱۹۹۱)، جرمان^۴ (۱۹۹۴)، ملک پور (۱۳۷۵).

1- Wolery and Baily

2- Wolpe and Lazarus

3- Lewis, Bruininks & Thurlow

4- Germann

با توجه به اینکه مثلث «خانه، مدرسه، کودک» امروزه در کانون توجه تمامی نظامهای آموزشی جهان می‌باشد و ذکر این مطلب که نقش والدین در تربیت کودک عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر بسیار حیاتی است، نتایج این پژوهش مؤید آن است که آشنایی والدین با راهکارهای مواجهه با کودک عقب‌مانده ذهنی و اصول تغییر رفتار در کودک استثنایی می‌تواند عامل مهمی در ایفای نقش مثبت یکی از قله‌های هرم موفقیت در آموزش و پرورش استثنایی (یعنی خانه) داشته باشد.

بنابراین با تأیید فرضیه پژوهش، به نظر می‌آید که اهداف چهارگانه زیر حاصل شده است:

- ۱- سعی در تسریع و تسهیل فراگیری مهارتهای خودیاری دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر از طریق آموزش والدین.
- ۲- تلاش در جهت بهبود رفتار اجتماعی دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر، از طریق فراگیری مهارتهای خودیاری پیشرفته.
- ۳- آموزش والدین دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر در سطوح پیش‌دبستانی و سال اول ابتدایی، به‌منظور تسریع و تسهیل آموزش مهارتهای خودیاری که جزء اصول نظام آموزشی کشور در سطوح پیش‌دبستانی و ابتدایی آموزش و پرورش استثنایی می‌باشد.
- ۴- آموزش والدین در زمینه چگونگی آموزش دادن مهارتهای خودیاری به فرزندان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر خود، در جهت استحکام بخشیدن به مثلث خانه، مدرسه و کودک.

محدودیتها و پیشنهادها

- ۱- با توجه به محدودیت زمانی و امکانات مالی، پژوهشگر نتوانست تحقیق خود را در مورد دو جنس (پسر و دختر) به مرحله اجرا درآورد. لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهشهای آتی مسأله جنسیت نیز لحاظ شود.
- ۲- پژوهش حاضر فقط در سطح شهر تهران به اجرا درآمد. بهتر آن است که در پژوهشهای بعدی مراکز استانها و دیگر نقاط کشور نیز مورد بررسی قرار بگیرد.

۳- پژوهشگر به لحاظ محدودیت زمانی، نتوانست نتایج آزمونهای تحصیلی آزمودنیها را در پایان سال تحصیلی ۷۷-۱۳۷۶ مورد بررسی قرار دهد.

۴- در این پژوهش میزان اضطراب و تنش خانواده‌ها در رویارویی با رفتارهای کودک در زمانهای پیش از آموزش والدین و پس از آن قابل بررسی بود، اما پژوهشگر به علت محدودیتهای مالی نتوانست این بررسی را انجام دهد. پیشنهاد می‌شود در پژوهشهای دیگر به این موضوع نیز توجه شود.

۵- ارائه فقط یک روش آموزشی (ترکیبی از آموزش گروهی و مشاوره گروهی) یکی از محدودیتهای پژوهش به حساب می‌آید. در پژوهشهای آتی می‌توان میزان تأثیر روشهای آموزشی دیگر در تسریع و تسهیل فراگیری مهارتهای خودیاری دانش‌آموزان، از طریق آموزش والدین صورت بگیرد.

منابع و مأخذ

بکر، بروس و دیگران. آموزش مهارتهای خودیاری پیشرفته، ترجمه مختار ملک‌پور، (۱۳۷۱)، نشر مولانا، اصفهان.

توسلی، غلامعلی. (۱۳۷۳)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، نشر سمت، چاپ چهارم، تهران.

روزن‌بام، ه. خانواده به‌عنوان ساختاری در برابر جامعه، ترجمه صادق مهدوی، (۱۳۶۷)، نشر دانشگاهی، تهران.

ملک‌پور، مختار. (۱۳۷۵)، آموزش مهارتهای خودیاری به کودکان استثنایی (جزوه درسی)، دانشکده تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان، اصفهان.

Germann, P.J. Testing a model of science process skills acquisition. *Journal of Research in Science Teaching*. Sep 1994, Vol 31, 479-483.

Herbert, M (1991). *Clinical child Psychology: Social learning developmental and behavior* (eds) England : John willy and sons.

Lewis, D.R.; Bruininks, R.H. and Thurlow, M.L. Efficiency Consideration in delivering special services to Parents and persons with severe mental retardation. Minnesota university: Journal on Mental Retatdation.(1991). Jun, Vol 29(3) 129-137.

Wolery, M and Baily, D. (1985). Early childhood education of the handicapped. Chaleston, WV: West Virginia state Department of Education.

Wolpe, J, and Lazarus, A.A. (1966). Behavior therapy technique. NewYork: Petgaman Press.

E-mail: [Malekpour @ edu.ui.ac.ir](mailto:Malekpour@edu.ui.ac.ir)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی